



بررسی نقش فضای کالبدی مهدکودک بر ارتقاء تعاملات، شخصیت و رشد ذهنی کودکان نمونه موردی: " مهدکودک دانشگاه اصفهان در اصفهان "

زهرا فروتن¹، سیده مرضیه طبائیان^{2*}

1- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

Email: zahraforoutan67@gmail.com

2- نویسنده مسئول. استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد هرنند(اصفهان)، اصفهان، ایران.

Email: Marzieh.Tabaeian1@gmail.com

چکیده

امروزه کارشناسان با درک اهمیت و ضرورت پرورش انسان در دوران کودکی، به دسته بندی و طراحی فضاهایی پرداخته اند که هوش، خلاقیت و مباحث اخلاقی مرتبط را از دوران کودکی رشد می دهند. دوران خردسالی پیش از دبستان دوران کوتاهی است که در شکل گیری شخصیت کودک بسیار مؤثر است چرا که کودک نخستین دانستنی هایش را در مورد محیط زندگی در این سالها کسب می کند. بسیاری از متخصصان بر نقش فضاهای کالبدی مناسب مهدکودک در تحول شخصیت، رشد خلاقیت، ممانعت از اغتشاش ذهنی، به حداقل رساندن شرایط خطرزایی که مانع تحول استعدادهاى کودک شوند و فراهم کردن محیطی سالم برای تعامل کودک تأکید فراوان دارند. هدف مقاله حاضر تبیین عوامل تأثیر گذار فضای کالبدی مهدکودک بر تعاملات کودکان در راستای رشد شخصیتی، عاطفی، روانی و جسمی آنها و برخی ویژگیهای معماری است. با شناخت این عوامل و به کارگیری ایده های حاصل می توان فضای مهدکودک را به گونه ای طراحی کرد که کودکان بتوانند با انگیزش بیشتر و تعامل با یکدیگر توانایی ها و استعدادهای خود را افزایش دهند و به رشد شخصیتی و روانی بالایی دست یابند. در این پژوهش از دو روش پژوهشی کمی و کیفی استفاده شده است. برای اجرای نقاشی ها ابتدا از روش توصیفی پیمایشی استفاده شد و سپس برای بررسی نیازهای کودکان از روش تحلیل محتوای نقاشی کودکان استفاده گردید. تحلیل و بررسی تحقیقات صورت گرفته در زمینه نیازهای کودکان و خصوصیات محیط های آموزشی مطلوب به همراه نمودارها و جداول مربوط به نتایج توسط نرم افزار spss ارائه گردیده است.

کلمات کلیدی: فضای کالبدی، رشد کودک، تعاملات کودک، مهدکودک



مقدمه

یکی از راه‌های بهره‌وری مناسب و در عین حال آسان دوران خردسالی سپردن آنها به مهدکودک است که بسیاری از والدین را به جستجوی مکانی مناسب و مطمئن وادار می‌نماید. مهدکودکی خوب است که بتواند توانایی‌های کودکان را بالا ببرد و مقدمات بالفعل شدن توانایی‌های بالقوه کودکان را فراهم آورد. در کشورهای پیشرفته آموزش‌های جمعی و رفتاری در مهدکودک از 2 تا 6 سالگی یک عرف اجتماعی است و دلیل آن تأمین منافی در انسان است که فقط در این سنین دست یافتنی است و تمام عمر مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. همچنین مهدکودک به ارتقای مهارت‌های اجتماعی و تقویت هوش کودکان نیز کمک می‌کند. [1] کودکان حساس‌ترین گروه سنی جامعه هستند، چرا که پایه‌های رشد شخصیتی، ذهنی، اجتماعی و جسمی آنها در این زمان شکل می‌گیرد و برای این امر مستلزم تجربه زندگی اجتماعی در مقیاس خود هستند. [2] با تأمین فضایی کودکانه، صمیمانه، شاد و همراه با رنگ‌های زیبا می‌توان فرصتی را بوجود آورد تا کودکان از طریق پرورش و رشد استعدادهایشان به این مهم دست یابند.

تعاملات اجتماعی

انسان موجودی اجتماعی بوده و ارتباطات و تعاملات اجتماعی از نیازهای اساسی اوست. غالباً انسان در تعامل با دیگران است که توانایی‌های خود را می‌شناسد، به خلق معانی می‌پردازد و هویت خود را می‌سازد. لنگ بر این موضوع اشاره دارد که در نظریه‌های هنجاری طراحی محیط اظهار نظرهای زیادی راجع به چگونگی تأثیر طراحی بر تعاملات اجتماعی مردم شده است. تصورات مردم از محیط در واقع نوعی طرحواره ذهنی است که به رفتارها و فعالیت‌های وی در عرصه‌های مختلف شکل می‌بخشد. [3] فعالیت‌هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت‌های مردم، با به وجود آوردن زمینه‌های اجتماعی شدن و اجتماع پذیری به رشد فردی انسان کمک می‌کنند. در عین حال تعامل اجتماعی، نگرش افراد با پیشینه‌های ذهنی و ویژگی‌های متفاوت را به یکدیگر نزدیک می‌کند. [4]

سامان بخشیدن محیط در راستای بهبود تعاملات کودک

محیط ساخته شده و تعاملات کودک دارای ارتباط و تقابل با یکدیگر هستند. در واقع محیط ساخته شده می‌تواند نیازها و خواسته‌های کودک را برآورده کند و باعث ایجاد تعاملات موجود و گسترش آنها شود. با شناسایی تعاملات موجود در محیط، عوامل محیطی (سبک معماری، رنگ، صدا، بو،...) و کیفیت فضایی محیط ساخته شده و چیدمان فضایی مناسب می‌توان محیطی در راستای ترویج تعاملات کودک ایجاد کرد، که میزان تعاملات و حدود آن در بین افراد نیز توسط همین عوامل مشخص می‌شود. با سامان بخشیدن به محیط می‌توان بر روی تعاملات شخصی و اجتماعی افراد از جمله کودکان مؤثر بود. ایجاد تعامل و یا قطع آن از جمله مواردی است که می‌توان از این طریق تأمین کرد. [5] محیط ساخته شده می‌تواند جنبه‌هایی از نیازهای کودک شامل بقا، امنیت، تعلق، عزت، یادگیری و زیبایی را برآورده سازد. چنین محیط‌هایی علاوه بر تأمین نیازها و برآوردن خواسته‌های فرد، رفتار تعاملات ایشان را نیز معنا می‌بخشد. [6] بنابراین با طراحی محیط می‌توان کیفیت تعاملات را متناسب با استفاده‌کنندگان و عملکردهایشان افزایش داد.

خلوت و ازدحام و تأثیر بر نحوه تعاملات کودک

خلوت یکی از عوامل مؤثر جهت کنترل تعاملات کودک است. با تعیین میزان خلوت، قلمرو و محدوده‌ای تعیین می‌گردد که نوع و ساز و کارهای آن متناسب با کودک و فرهنگ متفاوت از یکدیگر است. کودک با کنترل تبادل اطلاعاتش، خود و

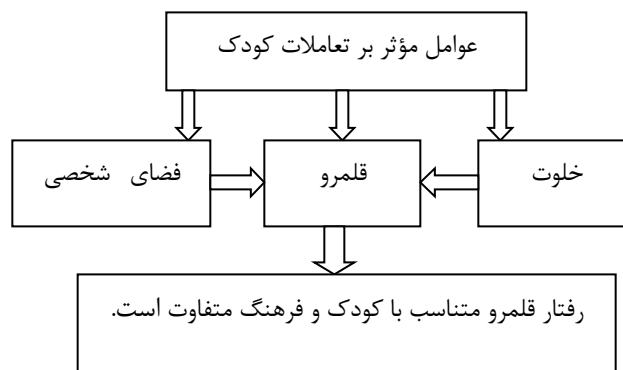
اطلاعاتش را در مرکز تعاملات قرار می دهد و توسط پوشش دادن عوامل اطراف خود قلمرویی برای خود توسط نظارت بر اطلاعاتش کسب نماید. گاه با طراحی و ایجاد فضاهایی جهت فراهم نمودن این نیاز، می توان کیفیت قلمرو یا حتی زمینه آن را برای ایشان فراهم نمود. [6]

فضای شخصی

شناخت قرارگاههای رفتاری و فضای شخصی کودک از ضروریات در تعاملات کودک است. داشتن فضای شخصی کافی و کنترل قلمروی دلخواه کودک که در آن احساس ناراحتی نکند و همچنین تمایل به برقراری تعامل داشته باشد از الزامات طراحی فضای کودکان است. [5]

قلمرو

قلمرو و حفظ آن یکی از اصول اساسی در تعاملات اجتماعی است زیرا گامی تأثیرگذار در خلوت مطلوب کودک محسوب می شود. به طور کلی قلمرو محدوده ای است که سایر افراد از ورود به آن احساس راحتی نداشته باشند. [5] رفتار قلمرو با توجه به گروههای مختلف، برحسب شرایط، متفاوت خواهد بود. حفظ قلمرو، قدرت را در یک ناحیه مستقر می کند و بدون یک قلمرو مشخص حکمرانی بی معناست. [7] این رفتار قلمرویی می تواند بر کیفیت تعاملات کودک افزوده و از تعاملات نادرست جلوگیری کند.

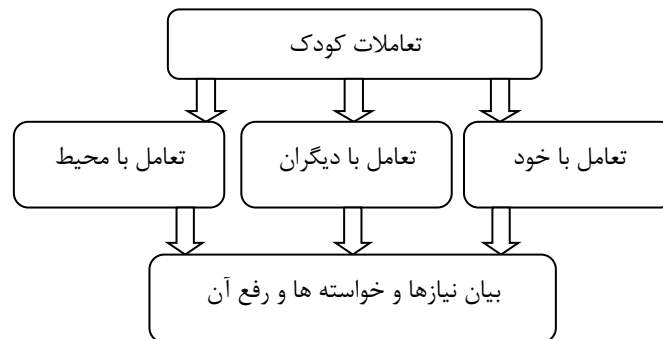


شکل 1- عوامل مؤثر بر نحوه تعاملات کودک (مأخذ: نگارندگان، 1394)

انواع تعاملات کودک

در کلی ترین حالت، تعامل کودک نخست از خود او آغاز می شود و سپس به تعامل با دیگران می انجامد. به علاوه، کودک فردی از محیط فیزیکی و اجتماعی است که دائماً با محیط اطراف خود در تعامل است. کودکان با این تعاملات، نیازها و خواسته های خود را بیان کرده و آن را تأمین می نمایند. [7] آنچه باعث تداوم تعاملات می شود اطلاعاتی است که به صورت پیام هایی ردوبدل می گردد. کودکان برای ارسال پیام از صورت، بدن و صدایشان استفاده می کنند و برای دریافت آن از حواس بینایی، شنوایی و لامسه. در تعاملات، کودک به صورت کلامی یا غیرکلامی، از طریق بیان خواسته ها و

تواناییهای خویش در صدد رفع نیازهای برمی آید و وارد تعامل با محیط خود قرار می گیرد. [8] محیط از قرارگاههای رفتاری متفاوتی به وجود آمده است که دو عنصر رفتار و محیط کالبدی را شامل می شود.



شکل 2- انواع تعاملات کودک (مأخذ: نگارندگان، 1394)

کودک و فضای معماری

قسمت اعظم یادگیری کودکان توسط تجربه های شخصی آنها در محیط با توجه به الگوهای موجود و با لمس کردن، دیدن و تجربه عینی، به صورت هدایت شده و خودانگیز صورت می پذیرد. کودکان با حرکات سریع و آزادی سرشت و خارج از قید و بندهای بزرگسالان محیطی متفاوت را درخواست می کنند. [9] کودک با یادگیری طولانی در محیط و فضای اطراف خویش می آموزد که چگونه بر فضا تسلط یابد. با تربیت صحیح کودک می توان به پیدا کردن موقعیتش در فضایی فعال و تأثیرگذار یاری رساند چراکه در شکل گیری شخصیت کودک مؤثر است و خلوت، امنیت و آزادی را تضمین و محافظت می کند که بر حسب سن و رفتارهای کودک فضا کوچک و بزرگ می شود. در حقیقت فضا یک واقعیت روانشناختی زنده و پویاست که نباید خود را تحمیل کند و باید متناسب با شخصیت انسان شکل گیرد. طراح یک مربی است، زیرا توسط اشکال ساخته شده او تعلیم و تربیتش را منتقل می کند. بنابراین ارتباط میان کودک، معماری و فضا مهمترین مسأله انسانی کردن تمدن هاست. [10] با توجه به نگرش، خصوصیات اخلاقی، سن، توانایی های جسمی کودکان و اینکه در چه فضایی احساس آرامش بیشتر و بازدهی بیشتری دارند، میتوان به معماران در جهت طراحی های مخصوص کودکان کمک کرد.

عناصر معماری مؤثر بر رشد کودک

پله و اختلاف سطح

برای کودک پله به عنوان یک عنصر در فضا و تنها برای اتصال دو سطح با ارتفاع مختلف نمی باشد بلکه فضایی برای نشست، صحبت کردن و پنهان شدن در زیر آن محسوب می شود. علاوه بر این به میزان زیادی کشش بالا و پایین را احساس می کنند و با بالا رفتن از آن احساس هیجان، شادی و گاهی پرواز می کنند. حتی نرده های پله نیز برای کودکان جالب توجه است و برای بازی استفاده می شود. [5]



مسیر

یک راه ارتباطی میان فضاها محسوب می شود که هر مسیر برای کودک در مقاطعی از زمان تبدیل به مرکز می شود. کودکان مسیرهای پرپیچ و خم را دوست دارند اما از مسیرهای بن بست و باریک باید اجتناب کرد چرا که ممکن است باعث برخورد آنها با یکدیگر و آسیب کودکان شود. طاقچه ها، برآمدگی ها و گوشه های دنج مکان هایی امن و صمیمی و پر حادثه برای کودکان هستند که می توانند در آن پنهان شوند، با یکدیگر پیچ پیچ کنند و در مورد چیزهای دیگر صحبت کنند. [5]

تجهیزات و مبلمان

هرگاه نسبت عناصر متحرک نسبت به عناصر ثابت در تجهیزات و مبلمان بیشتر شود نوعی احساس عدم ثبات، ناآرامی و اغتشاش ذهنی در کودکان پدید می آید. همچنین اگر برعکس شود در انعطاف پذیری فضای معماری مشکل بوجود می آید. مبلمان فضاها باید به گونه ای باشد که امکان دیداری، شنیداری و کاری مطلوب تری را فراهم کند. میزها، صندلی ها، نیمکت ها و کتوها برای کودکان به منزله اسباب بازی هستند. بچه ها علاقه دارند که با این وسایل فضا بسازند، بازی کنند و از بین تونل های مبلمان به صورت سینه خیز حرکت کنند. [11]

تزئینات

عناصر تزئینی در معماری در خدمت تأکید بر ایده اصلی به کار گرفته می شوند. کودکان می توانند در خلق تزئینات و طراحی فضاهای خود شرکت داشته باشند چرا که مشارکت و تعامل کودکان با یکدیگر باعث تحریک تخیل آنها و رشد بهتر آنها می شود. [5]

اهداف و سوالات

در مجموع با توجه بر مطالب مذکور در حوزه مربوط به فضاهای کودکان اهداف پژوهش حاضر شامل موارد زیر است:

1. تأمین فضاهای دسته جمعی و گروهی برای کودکان و در نتیجه ارتقاء تعاملات اجتماعی آنها.
 2. ایجاد فضایی مطلوب همراه با تنوع فضایی از طریق ارتباط بصری و حسی بین فضاهای باز، نیمه باز و بسته جهت تعامل هرچه بیشتر کودکان و نهایتاً رشد بهتر جسمانی، روانی و شخصیتی کودکان و نهایتاً تأمین سلامت جسمانی و روانی کودکان.
 3. ایجاد فضایی امن برای کودکان برای بازی کردن و تحرک بیشتر همراه با امر آموزش.
- در ادامه در راستای پاسخ به اهداف مطرح شده سوالاتی طرح گردیده است که به شرح زیر می باشد:
1. آیا طراحی صحیح و مناسب فضاهای کالبدی آموزشی کودکان می تواند به ارتقاء مهارت های جمعی، تعاملات و ادراک کودکان کمک کند؟
 2. چگونه می توان با بهره گیری از کیفیات فضایی متفاوت در مهدکودک بر ارتقاء تعاملات، رشد و سلامت کودک مؤثر بود؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر ترکیبی از شیوه های کیفی و کمی و از لحاظ هدف به صورت کاربردی می باشد. این تحقیق از آنجا که به منظور بهبود ساختارها، روش ها و الگوهای مورد استفاده جوامع انسانی (کودکان) با استفاده از نتایج تحقیقات بنیادی



صورت گرفته است، از نوع تحقیق کاربردی محسوب می گردد. این تحقیق کیفی می باشد چرا که با تقسیم نمونه های هدفمند با تعداد محدود، به شناسایی عوامل مؤثر در طراحی فضاهای کالبدی مهدکودک و تأثیرات آن بر کودکان پرداخته شود و با روش تحلیلی و نگرش جدید به ارائه راهکارهایی جهت طراحی فضاهای کالبدی مهدکودک و رفع معضلات موجود در مهدکودک ها دست یابد. لازم به ذکر است که روش استفاده شده در شیوه کمی، توصیفی پیمایشی و در شیوه کیفی، پدیدارشناسی است. گسترده ترین انواع روش های تحقیقات کیفی، روش های قوم نگاری و پدیدارشناسی است. در نوع پدیدارشناسی، هدف پژوهشگر آن است که معنی یک پدیده یا مفهوم مورد مطالعه را از نظر یک گروه افراد بررسی کند یا به عبارتی به شناخت پدیده، از طریق پی بردن به درک افراد از آن پدیده ارج نهد.

جامعه آماری

جامعه آماری در مهد کودک دانشگاه اصفهان شامل، دو گروه 12 نفره از کودکان 6 ساله و 15 تن از مربیان مهدکودک بوده و شیوه نمونه گیری به صورت هدفمند بوده است. در مرحله بعد از هر دو گروه کودکان درخواست شد که فضای باز و بسته مهدکودک خود را نقاشی کنند و سپس درباره نقاشیهایشان به سوالاتی پاسخ دادند و پاسخ آنها ثبت شد. در مرحله بعد پرسشنامه هایی برای مربیان طراحی شد که پس از تأیید کارشناسان مربوطه در بین 15 تن از مربیان مهدکودک توزیع و بعد از یک هفته 11 پرسشنامه بازگشت داده و جمع آوری شد. زمان فعالیت مهدکودک از ساعت هفت صبح تا دو بعدازظهر بود. پژوهش در صبح که کودکان فعال تر و سرزنده هستند انجام شده است.

ابزار پژوهش

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش شامل مصاحبه، پرسشنامه، مشاهده، فیش برداری، جدول، نمودار، نقشه، اطلاعات تصویری، اطلاعات نوشتاری، بانک های اطلاعاتی، شبکه های ماهواره ای و اینترنت بوده است.

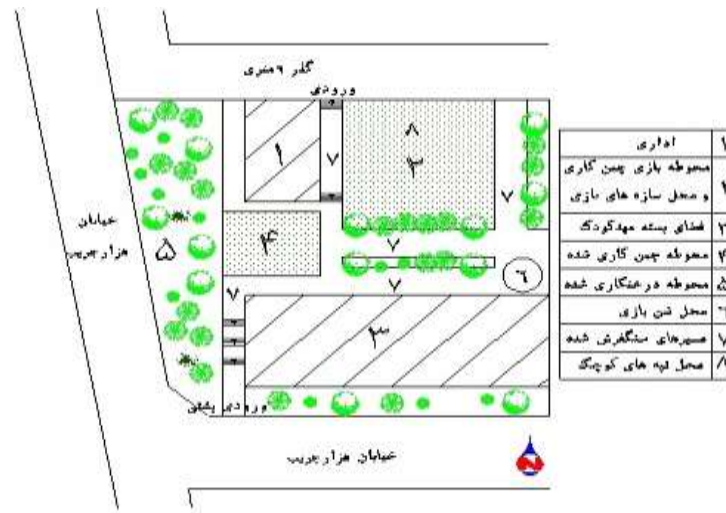
روش تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، به صورت کیفی تحلیل و بررسی شده و تعدادی از مطالب که کمیت آنها نیز مورد اهمیت می باشد، به صورت کمی توسط نرم افزار آماری SPSS و آزمون t مورد مطالعه قرار گرفته است.

یافته ها

نمونه موردی

این مهدکودک در سال 1350 در جنوب دانشگاه اصفهان در نزدیکی کوه صفا ساخته شده است. ساختمان مهدکودک شامل دو ردیف کلاس در جبهه شمالی و جنوبی و راهرویی در مابین آنهاست که روشنایی آن با نور مصنوعی تأمین می شود. در انتهای یکی راهرو اتاق بزرگی منسوب به اتاق بازی کودکان وجود دارد. ارتفاع پنجره های کلاس از سطح زمین به گونه ای است که کودکان امکان دید به بیرون را ندارند و ارتباط چندانی از درون با فضای باز خارج نخواهند داشت.



شکل 3- طراحی پلان مهدکودک که توزیع فضایی را نشان می دهد. (مأخذ: نگارندگان، 1394)

عناصر مطرح شده در مورد مهدکودک دانشگاه اصفهان از دیدگاه کودکان

بر طبق تقسیم بندی صورت گرفته، بیشترین عناصری که در نقاشی کودکان اشاره شده عبارت است از: وسایل و ساختارهای بازی، طبیعت، حیوانات، ساخت کاردستی، نقاشی کردن، بازی با آب، شن بازی، بازی های گروهی و مشارکتی و تعامل با دوستانشان می باشد. با توجه به موضوع پژوهش، در ادامه به بررسی عناصر مربوط به پژوهش حاضر می پردازیم.

تعاملات اجتماعی کودکان

همانگونه که قبلاً گفته شد کودکان هم در پرسش و پاسخ شفاهی و هم در نقاشی هایشان به فعالیتهای گروهی و مشارکتی، تعاملات اجتماعی و بازی های دسته جمعی اشاره کرده اند و در حقیقت ایجاد حس صمیمیت، هیجان و شادی را با حضور



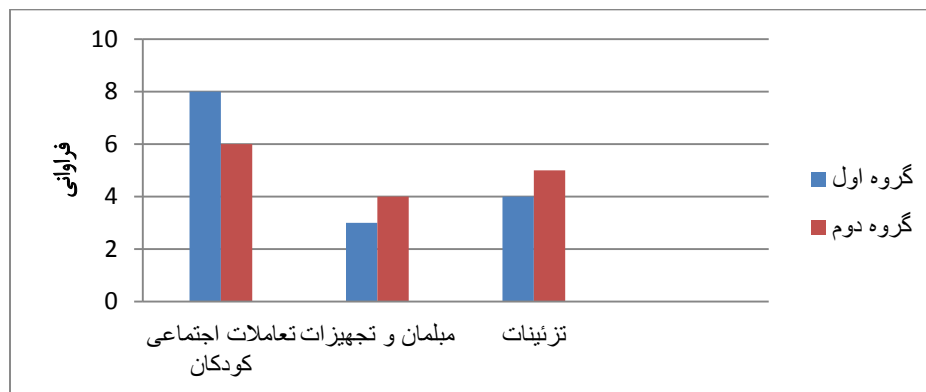
در جمع و در کنار دوستانشان می دانستند. از طرفی در نقاشی ها به حضور مربیان یا به عبارتی از زبان خودشان حضور خاله اهمیت می دادند و حس امنیت از این طریق در آنها ایجاد می شد.

مبلمان و تجهیزات

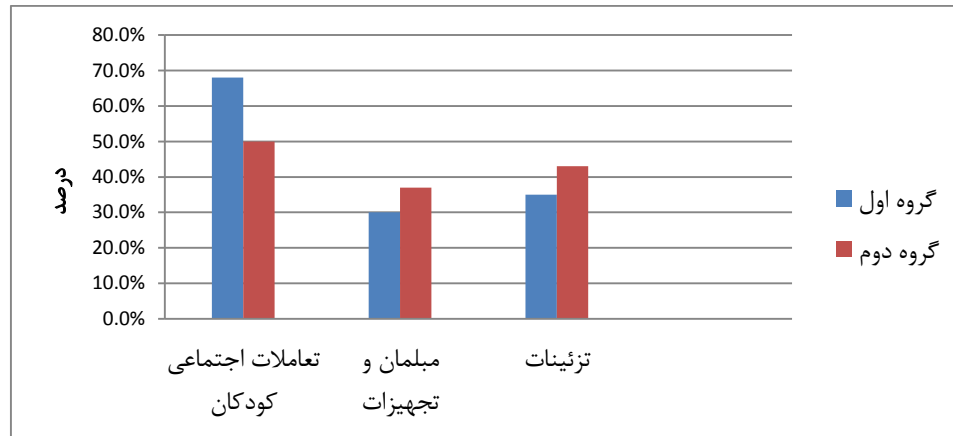
کودکان در نقاشی های مربوط به کلاسها و فضای بسته توجه بیشتری به مبلمان و تجهیزات داشته اند. میز، صندلی، کمد، قفسه، پنجره و در از مواردی بود که به آن اشاره کرده اند. از بین نقاشی های گردآوری شده، کودکان همگی اشاره به میز و صندلی در کلاس کرده اند و از چیدمان خطی در نقاشی هایشان استفاده کرده اند، همانگونه که در کلاس هایشان موجود است. آنها نشستن در کنار دوستانشان و کار گروهی کردن را دوست داشتند و در پرسش و پاسخ شفاهی هم این مطلب را تصدیق کردند.

تزئینات

کودکان در نقاشی های خود به تزئینات کلاس خود نیز توجه ویژه داشتند و محیط جذاب و متنوع را خواستار بودند. تزئینات نصب شده بر روی دیوار مانند کاردستی ها، نقاشی ها، گلها و ماهی های کاغذی رنگی در نقاشی ها به چشم میخورد. در مصاحبه به آویزهای ماه و ستاره از سقف نیز اشاره کردند.



شکل 4- نمودار مقایسه فرآوانی عناصر مطرح شده در فضای کالبدی مهدکودک توسط کودکان (مأخذ: نگارندگان، 1394)



شکل 5- نمودار مقایسه توزیع درصد فراوانی عناصر مطرح شده در فضای کالبدی مهدکودک توسط کودکان (مأخذ: نگارندگان، 1394)

تشریح و تحلیل پرسشنامه مربیان

در پرسشنامه های مربیان مهدکودک سؤالاتی در دو زمینه فضاهای کالبدی مهدکودک و مسائل پرورشی و روانشناختی کودکان مطرح گردید که نتایج آن به شرح زیر است.

فضاهای کالبدی مهدکودک

فضای بسته شامل فضای دویدن، فضای آرام جهت استراحت، ابعاد و اندازه آنها، تنوع رنگ و مقدار نور موجود در آنها، پنجره ها و تعامل با فضای باز را در بر می گیرد. نتایج به دست آمده نشان می دهد که اکثر مربیان فضاهای بسته مهدکودک را مناسب می دانند که در این بین سه تن از آنان به نبود فضای آرام جهت استراحت کودکان اشاره کرده اند. به نظر یکی از مربیان فضای کافی برای جست و خیز کردن و دویدن کودکان در مهدکودک وجود ندارد.

فرضیه 1: فضاهای بسته و داخلی مهدکودک بسیار مؤثر است.

مقدار آماره t برابر $11/819$ و مقدار احتمال مربوط به بررسی معنی داری آن برابر $0/000$ می باشد که از $0/05$ کمتر است، بنابراین با اطمینان $0/95$ فرض صفر آماری مبنی بر برابر بودن فضاهای بسته و داخلی مهدکودک با متوسط رد می شود. بنابراین با توجه به معنی دار بودن آزمون t و همچنین بزرگتر از 3 بودن میانگین فضاهای بسته و داخلی مهدکودک می توان گفت فضاهای بسته و داخلی مهدکودک در سطح بالایی قرار دارد.

جدول 1- آزمون تی استیودنت برای مقایسه فضاهای بسته و داخلی مهدکودک با مقدار متوسط (مأخذ: نگارندگان، 1394)

حجم نمونه	میانگین	انحراف از معیار	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری
11	4/27	0/357	11/819	10	0/000



مسائل پرورشی و روانشناختی کودکان

این مسائل که شامل تأمین حس امنیت و آرامش خاطر کودکان، حس صمیمیت، ارتقاء حس مشارکت و انجام کارهای گروهی، انجام فعالیتهای و بازی های استاندارد و متناسب با سن کودکان و امکانات لازم جهت دروس آموزشی می باشد، که همگی در راستای رشد جسمی و روانی کودکان مؤثر است و در نهایت او را در کشف و رشد استعدادهایش کمک می کند. همه مریبان اذعان داشتند که در مهدکودک دانشگاه اصفهان نهایت تلاش در این زمینه می شود و کودکان از وضعیت مناسبی برخوردار هستند.

فرضیه 4: مسائل پرورشی و روانشناختی کودکان بسیار مؤثر است.

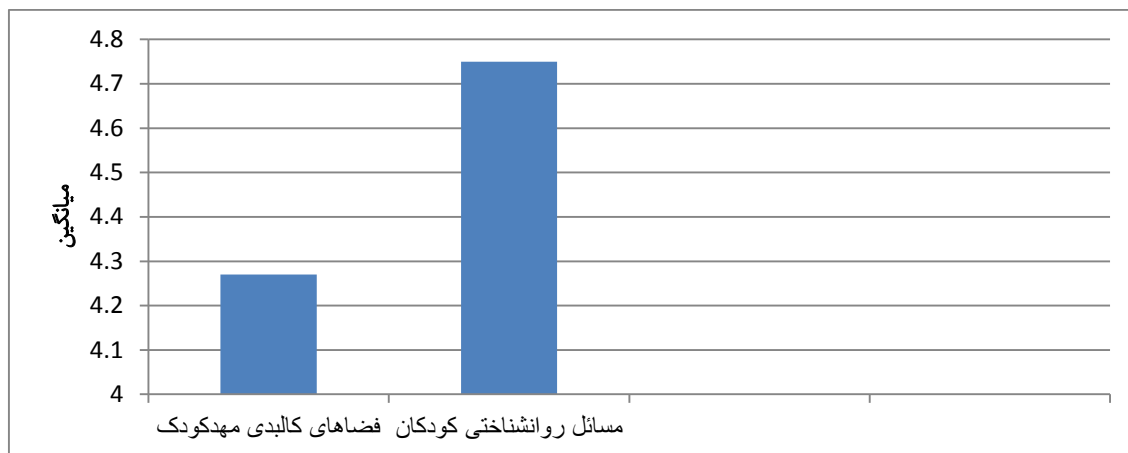
مقدار آماره t برابر 29/972 و مقدار احتمال مربوط به بررسی معنی داری آن برابر 0/000 می باشد که از 0/05 کمتر است، بنابراین با اطمینان 0/95 فرض صفر آماری مبنی بر برابر بودن مسائل پرورشی و روانشناختی کودکان با متوسط رد می شود. بنابراین با توجه به معنی دار بودن آزمون و همچنین بزرگتر از 3 بودن میانگین مسائل پرورشی و روانشناختی کودکان می توان گفت مسائل پرورشی و روانشناختی کودکان در سطح بالایی قرار دارد.

جدول 2- آزمون تی استیودنت برای مسائل پرورشی و روانشناختی کودکان مهدکودک با مقدار متوسط (مأخذ: نگارندگان، 1394)

حجم نمونه	میانگین	انحراف از معیار	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری
۱۱	۴/۷۵	۰/۱۹۴	۲۹/۹۷۲	۱۰	۰/۰۰۰

جدول 3- نتیجه تجزیه و تحلیل توصیفی متغیرها (مأخذ: نگارندگان، 1394)

انحراف معیار	میانگین	حجم نمونه	فضاهای کالبدی
۰/۳۵۷	۴/۲۷	۱۱	فضاهای کالبدی
۰/۱۹۴	۴/۷۵	۱۱	مسائل پرورش و روانشناختی کودکان



شکل 6- نمودار میله ای میانگین متغیرها (مأخذ: نگارندگان، 1394)

نتیجه گیری

در رویکرد معماری جدید هرچه قدر مصرف کننده فضای معماری در شکل دهی و طراحی آن دخالت بیشتری داشته باشد و در ایجاد آن مشارکت کرده باشد، علاقه مندی و درجه مشارکت او نیز در فعالیتهای درون فضا بیشتر می شود و از این طریق کودکان تمرینهای اولیه زندگی جمعی را می آموزند. یک فضای آموزشی همانند مهدکودک خانه دوم کودک است و کودک باید در آن احساس امنیت و آرامش کند چرا که از مهمترین عوامل در رشد فیزیکی و روانی کودک است. کودک باید بتواند نیروهای بالقوه اش را به نیروهای بالفعل تبدیل کند به عبارتی دیگر کودک نیاز به تحرک دارد و برای این امر نیاز به فضای آموزشی در ابعاد مناسب و با کیفیت دارد. بنابراین فضای کالبدی یک مهدکودک می تواند تأثیر بسیاری در فرآیند یادگیری کودک داشته باشد و به عنوان یک عامل پویا و تأثیرگذار در کیفیت فعالیت های آموزشی و تربیتی کودکان ایفای نقش کند. فعالیت های کودکان باید در فضاهای مناسب و دارای ابعاد استاندارد و متناسب با نیازها و علایق آنها انجام پذیرد تا بتواند باعث تعامل کودکان و رشد هرچه بیشتر و بهتر جسمی، روانی و عاطفی کودکان شود.

یادگیری و به دنبال آن رشد کودک تنها از طریق تجهیزات آموزشی محقق نمی گردد بلکه فضاهای کالبدی مثل کلاسها، در و دیوارها و... نیز حامل پیام هستند و می توانند در یادگیری و رشد کودکان مؤثر باشند. [12] در مهدکودک های فعلی کشور انتقال پیام های تربیتی و رشد دهنده به سختی و کندی صورت خواهد گرفت و شوق و انگیزه کودکان در یادگیری را نیز به حداقل می رساند. با توجه به سلامت جسمی و روحی کودکان و اهمیت ارتقاء کیفیت آموزشی و کارآیی کودکان اهمیت بررسی تأثیر شرایط کالبدی تعاملات و رشد جسمی و روانی کودکان حائز اهمیت است.

کار آموزش و پرورش در واقع دنباله کار پرورش شخصیت افراد در محیط خانواده است. کودکان در محیط های آموزشی می آموزند که چگونه رفتار اجتماعی داشته باشند و در چه محدوده ای بیندیشند و حس همکاری داشته باشند و در نتیجه اخلاق و رفتار کودک تکوین می یابد و او را آماده پذیرش مسئولیت، تصمیم گیری و حل مسائل زندگی می سازد.



راهکارها

- طراحی فضاهای بازیهای جمعی مانند سالن چندمنظوره، نمایش و بازی جهت دوییدن و جست و خیز کردن کودکان
- نصب بازی های فکری کوچک و دعوت به مشارکت کودکان با یکدیگر
- طراحی مبلمانهایی برای نشستن های گروهی کودکان بر روی زمین در فضای باز و بسته مهدکودک
- قراردادن میز و صندلی و محل نشستن بر روی زمین در سالن غذا خوری برای تعامل و صمیمیت بیشتر کودکان با یکدیگر

مراجع

- [1] فتحی د. ذوالفقاری ع. 1393. مهدکودک خوب چه ویژگیهایی دارد. مجله رشد آموزش پیش دبستانی. شماره 3. ص 6-3
- [2] اعتصامی م. 1391. کودک، طبیعت، یادگیری (طراحی مدرسه ابتدایی با رویکرد طبیعت). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان.
- [3] یزدانی س. تیموری س. 1391. تأثیر فضاهای باز مجتمع های مسکونی بر افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین. مجله هویت شهر. شماره 15. ص 92-83.
- [4] الکساندر ک. 1387. زبان الگو: شهرها. مترجم: ر کربلایی نوری. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- [5] طبائیان س م. 1393. انسان و محیط رویکرد روانشناختی به معماری و شهرسازی. اصفهان: انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان.
- [6] لنگ ج. 1381. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی معماری. مترجم: ع عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [7] آتش پور س ج. کاظمی الف. مصاحبی م. 1382. روانشناسی کاربردی. اصفهان: انتشارات پردژ.
- [8] پاشا غ. 1385. روانشناسی تعاملات بین فردی. اهواز: انتشارات جندی شاپور.
- [9] طالبی ژ. 1384. طراحی فضاهای بازی کودکان. تهران: انتشارات سازمان بهزیستی و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- [10] استادپر د م. 1386. کودکان تیزهوشند اگر. مترجم: س سوری. تهران: نشر دانش ایران.
- [11] کرونر والتر، 1388. معماری برای کودکان. مترجم: آ خوشنویس، ا میررحیمی. انتشارات گنج هنر.
- [12] نوید ادهم م. 1382. پیام مدرسه. تهران: انتشارات مدرسه.